

جایگاه تمیمه در طب عامیانه بوشهر

مریم عباسی^۱

چکیده

منابع فرهنگ عامه ایران و متون طب سنتی نشان می‌دهند که مردم ایران برای درمان بیماری‌ها از تعویذهای متنوعی استفاده می‌کرده‌اند. بر اساس باورهای عامیانه این اشیا، نیروهای خارق‌العاده‌ای دارند که انسان‌ها را در رویارویی با مشکلات زندگی یاری می‌رسانند. «تمیمه» یکی از عمده‌ترین موارد استفاده‌ها از تعویذ است، از قدیمی‌ترین باورهای بشر و احتمالاً فراگیرترین و رایج‌ترین باورهای فراعلمی است. «تمیمه» مهره‌هایی است با خال‌های سفید روی زمینه‌ای سیاه‌رنگ یا برعکس، که حول یک تسمه یا ریسمان به بند کشیده شده است. این مهره به گردن آویخته می‌شود تا بیماری‌ها و خطرات را دفع کند. از اهداف این پژوهش، توجه به موضوع استفاده از تعویذی به نام «تمیمه»، به عنوان یکی از عناصر بسیار شایع فرهنگ عامه است. در این نوشتار با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای به بررسی انواع بکارگیری مهره‌ها برای درمان بیماری‌ها و باورهای مرتبط با آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

تمیمه، تعویذ، مهره، بیماری، بوشهر

۱. کارشناس مردم‌شناسی، پژوهشکده مردم‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

Email: a_maryam1983@yahoo.com

مقدمه

یکی از تازه‌ترین و کاربردی‌ترین تعاملات مردم‌شناسی فرهنگی با سایر علوم، تعامل آن با پزشکی است که منجر به پدیدآمدن زیرشاخه نوپدیددی به نام مردم‌شناسی پزشکی شده است. مردم‌شناسی پزشکی، شاخه‌ای از مردم‌شناسی است که عوامل مؤثر در ایجاد و ابقای بیماری و ناخوشی، همچنین رویکردها و اعمال جوامع متفاوت انسانی در جهت مقابله با بیماری را مطالعه می‌کند. در این زیرشاخه تمرکز بر مطالعه سلامت انسانی و سیستم‌های مراقبت سلامتی و تطابق زیستی - فرهنگی است. (ملک‌راه، ۱۳۵۸ ش.)

از اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی، مردم‌شناسی پزشکی به سه شاخه اصلی منشعب شده است که از این میان می‌توان به مقوله قوم‌پزشکی اشاره کرد. قوم‌پزشکی دانش مطالعه عقاید، باورها و اعمال جوامع مختلف انسانی در باب بیماری است. هر جامعه انسانی، در تمام ادوار، جهان‌بینی خاصی داشته که مربوط به فرهنگ آن جامعه بوده است. از باستانی‌ترین زمان‌ها، بشر در حوزه سکونت خود داروها و شیوه‌های درمانی متفاوتی را بکار گرفته که متناسب و تطابق یافته با شرایط آب و هوایی، خاک‌شناسی، جغرافیای زیستی - گیاهی منطقه بوده است، به همین نسبت از شرایط فرهنگی و اجتماعی موجود بهره می‌گرفت. (ملک‌راه، ۱۳۵۸ ش.)

مردم استان بوشهر، برای معالجه بیماران، روش‌های درمانی ویژه‌ای در پیش گرفته‌اند. آن‌ها برای درمان بعضی امراض مانند دیوانگی، صرع، نازایی و بسیاری از بیماری‌های دیگر به حرز، تعویذ و دعا متوسل می‌شوند.

تعویذ، مشتق از ریشه «عَ وَ ذَ» و به معنای پناه‌بردن و در امان نگه‌داشتن است و در اصطلاح به معنای دعاخواندن و آویختن اشیایی بر آدمیان و جانوران برای محافظت از آن‌ها. (دهخدا، ۱۳۴۳ ش.، ذیل واژه «تمیمه») کاربران تعویذ بر این باورند

که این اشیا نیرویی جادویی - ماورایی دارند. همچنین نصب و آویختن آن بر اموال و مکان‌ها، و حمل آن توسط انسان یا حیوان را موجب دفع بلا، بیماری و تعرض موجودات و نیروهای شریر می‌پندارند. بکاربردن تعویذ گونه‌ای جادو تلقی می‌شود که سازوکار اثربخشی آن‌ها به لحاظ علوم تجربی شناختنی نیست. کاربرد تعویذ در میان مسلمانان، به ویژه در مقایسه با اموری چون طلسم و عزایم، جنبه‌های جادویی خود را تا حد زیادی از دست داده، به گونه‌ای که امروزه اثربخشی آن را باید بیشتر از مقوله ایمان، توکل و خلوص نیت دانست. در مقایسه با دعا که نیایش و مناجات بنده با پروردگار بدون میانجی‌گری ابنای بشر است، تعویذ کاربرد اختصاصی‌تری دارد. تعویذ معمولاً کاربردی پیشگیرانه دارد و فرد یا شی مورد نظر را از قرارگرفتن در موقعیتی زیان‌آور حفظ می‌کند. (موسی‌پور، ۱۳۸۷ ش.)

استفاده از تعویذ از دیرباز در میان اقوام گوناگون رایج بوده است. با آنکه ظاهراً در فرهنگ‌های کهن عمدتاً اشیای مختلف - چه به شکل خام و طبیعی (مانند قطعه سنگ‌ها، گیاهان، صدف‌ها، دندان‌ها، استخوان‌ها و اعضای بدن جانوران و...)، و چه به شکل فرآورده (مجسمه‌ها، تمثال‌ها، وسایل دست‌ساز فلزی، چوبی و...) در رماندن ارواح پلید، شیاطین و موجودات شریر و زیانکار کاربرد داشته است. (موسی‌پور، ۱۳۸۷ ش.)

جایگاه تعویذ در فرهنگ عامه ایران

اعتقاد به جانداربودن اشیا از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین شیوه‌های فکری جامعه کهن ایرانی بوده است. در باور ایرانیان باستان، انسان زنده‌بودن خویش را به تمام اشیای دیگر نیز منسوب می‌کند، خواه آن چیز ساکن باشد و پابرجا یا مانند خود او متحرک و جنبان. (صابری افتخاری، ۱۳۹۱ ش.)

ایرانیان باستان جاندارپنداشتن اشیای موجود در طبیعت را به دست‌ساخته‌های خویش نیز تعمیم می‌دادند و میان جنس اشیای ساخته‌شده و اشیای موجود در طبیعت تفاوتی قائل نبودند. حتی دست‌ساخته‌های خویش را همانند دیگر اشیای طبیعی ذی‌روح می‌دانستند تا همراهش شوند و یا اگر اجازه می‌داد، قادر بودند در وجودش نفوذ کنند و یا اثر نیک بگذارند. (بویس، ۱۳۷۰ ش.) بر اساس همین تفکر، اشیای باور شده‌ای همچون تعویذ در میان ایرانیان قدرت جادویی و درمانگر خود را از اوراد مذهبی می‌گرفتند.

در ایران باستان از تعویذهای فراوانی استفاده می‌شده است. «تمیمه» یکی از متداول‌ترین اشیایی است که به عنوان تعویذ استفاده می‌شوند و درباره آن‌ها اطلاعاتی وجود دارد. تمیمه عبارت است از مهره‌های به رشته کشیده‌شده‌ای که کودکان و زنان، بیشتر برای دفع چشم‌زخم، رفع اثر سوء حسد و دفع بیماری به گردن می‌آویختند. (حداد عادل، ۱۳۸۲ ش.)

متن کوتاهی از ابن ربّن طبری، درباره چگونگی مهره‌ها در دست است که از سنت‌های کهن فراموش‌شده ایرانیان باستان درباره داشتن مهره خاص حکایت می‌کند. گفتنی است هرکس مهره‌هایی داشته که به مثابه طلسم محافظ و اشیای ضد نظر از بدو تولد بر او آویخته می‌شد، در عربی به این مهره‌ها «تمائم» می‌گفته‌اند. (اذکائی، ۱۳۹۱ ش.)

بسیاری از سفرنامه‌نویسان طی سفرهای خود به اقصی نقاط ایران موارد گوناگونی از باور ایرانیان به اشیایی همچون سنگ و آویزه‌هایی با نیروی جادویی - ماورایی را گزارش کرده‌اند. در این گزارش‌ها گرایش بیشتر و پررنگ‌تر زنان جامعه ایرانی، نسبت به مردان، در بهره‌گیری از طلسمات و توسل به انواع افسون‌ها و تعویذها درج شده است. پولاک (۹۱-۱۸۱۸ م.) جهانگرد اتریشی و پزشک ناصرالدین‌شاه

اشاره می‌کند: «مردم بهره‌گیری از دعا و طلسمات را عادی تلقی می‌کنند، حال آنکه فهمیده‌ها و تحصیل کرده‌ها آن را رفتاری زنانه می‌دانند.» (رحمانیان و همکاران، ۱۳۹۱ ش.) ویلز نیز بر این باور بود که ایرانیان به ویژه زنان مبالغ زیادی صرف تهیه، خرید و فروش طلسمات و تعویذها می‌کنند. همچنین اوژن اوبن، سفیر فرانسه در ایران در روزگار قاجار شدت اقبال مردم ایران به دعاها و تعویذها را سبب کسادى کار پزشکان دانسته است، (رحمانیان و همکاران، ۱۳۹۱ ش.) زیرا مردم بر این باور بودند که این اشیا، فرد را در برابر بیماری‌ها ایمن می‌دارد.

کارکرد تعویذی به نام مهره در میان مردم بوشهر

به نوشته یکی از پژوهشگران فرهنگ مردم بوشهر استفاده از «تمیمه» روش درمانی ویژه‌ای برای معالجه بیماران بود که هم جنبه‌هایی علیه خرافه‌پرستی عوام‌الناس داشت و هم به نوبه خود یادآور علم طبابت نزد مصریان قدیم و بابلیان بود. بدانسان که برای درمان بعضی از امراض مثل دیوانگی، صرع، نازایی و بسیاری بیماری‌های دیگر به تعویذ و دعا متوسل می‌شدند و توجه به اوراد و ادعیه و عزایم را علاج اصلی آن می‌دانستند. علاوه بر آن برای مداوای تب، امراض پوستی و حتی عقرب‌زدگی مهره‌های خاصی بکار گرفته می‌شد. باید هر مهره را تا درمان کامل، به گردن می‌آویختند. (احمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۱ ش.)

در بوشهر مهره‌ها به اشکال و رنگ‌های مختلفی وجود دارند که هنگام استفاده بر روی هر یک از آن‌ها سوره یا دعا‌هایی خوانده می‌شود؛ این عمل را در اصطلاح محلی «اوسی^۱» می‌گویند. قبل از آویختن مهره به گردن لازم کار است که مهره را «اوسی» کنند. اوسی کردن به معنی طاهر کردن مهره و خواندن «چهار قل^۲» بر روی آن است، اما برای این که بدانند مهره آماده است و خوب عمل می‌کند، باید

آن را آزمایش کنند. این آزمایش بدین صورت است که مهره را در جیب گذاشته و به دکان نانوايي می‌رفتند و در گوشه‌ای می‌ایستادند. باور بر این بود که از تأثیر مهره آماده همه نان‌ها از تنور جدا می‌شد و بر کف تنور می‌ریخت. این کار آنقدر ادامه می‌یافت تا نانوا با التماس تقاضا می‌کرد که هر کسی که مهره‌ای در جیب دارد به خاطر خدا از اینجا برود. تنها هنگامی که صاحب مهره از آنجا دور می‌شد، نان‌ها به تنور می‌چسبید. (احمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۱ ش.) مهره‌های اوسی شده تنها تا سه روز دارای اثر اوسی بودند، اگر بیشتر از سه روز نیاز به آویختن مهره بود، باید از نو آن را اوسی می‌کردند.

انواع مهره در درمان بیماری‌های کودکان و زنان

۱- مهره «اپل تشی»^۳: این مهره خاکستری رنگ به صورت سه دانه در یک بند است و ویژه کودکان است. هنگامی که تاول‌های آبدار و آتش‌گونه‌ای بر روی پوست اطفال ظاهر شود، لازم است تا زمان خشک شدن کامل آن، این آویز را بر گردن کودک آویزان کنند؛

۲- مهره «بگک»^۴: این مهره قرمز رنگ و خالدار را پس از اوسی کردن برای جلوگیری از جوش‌های چانه کودک به گردن کودک می‌آویزند؛

۳- مهره «توشو»^۵: این‌ها مهره‌های متبرکه‌ای هستند که از شهرهای مقدسی همچون مشهد و کربلا آورده می‌شوند و پس از خوانده شدن آیه‌هایی از قرآن به وسیله ملا یا آخوند بر روی آن‌ها استفاده می‌شوند. این مهره‌ها به رنگ زرد می‌باشند که به مهره «تب شب» معروف است. این مهره نیز ویژه اطفال است و برای تب‌هایی که در شب بر کودک مستولی می‌شود، بکار می‌رود. این مهره باید

چند شبانه‌روز متوالی بر گردن بماند تا درمان به طور کامل حاصل شود؛ (سیستانی، ۱۳۷۰ ش).

۴- مهره زردوکی یا زردیونی: این مهره زردرنگ و مستطیل یا لوزی‌شکل است. (دریانورد، ۱۳۷۷ ش). این مهره را برای درمان یرقان بکار می‌برند. هنگامی که کودکی زاده می‌شود از روز نخست تا چهل روز و گاه تا سه ماه و اگر نوزاد مبتلا به یرقان باشد، تا درمان کامل آن را به دست او می‌بندند. این مهره را نه تنها برای نوزادان، بلکه برای بزرگسالان مبتلا به یرقان نیز بکار می‌برند؛

۵- مهره «پیچ»: این مهره به رنگ راه‌راه سفید و سیاه است. اعتقاد مردم بر آن بود که نوزاد پس از به دنیا آمدن، دچار دل‌پیچه و اسهال می‌شود. برای بهبود نوزاد، مهره مزبور را اوسی کرده و بر گردن نوزاد می‌اندازند؛ (سیستانی، ۱۳۷۰ ش).

۶- مهره «اسرم»: این مهره برای پسران به رنگ خرمایی و برای دختران به رنگ قرمز است. (دریانورد، ۱۳۷۷ ش). کاربرد چنین مهره‌ای به ویژه برای نوزادانی است که شب‌ها بی‌قراری کرده و خوابشان کم است؛

۷- مهره «طاسه» یا کچل کننده: این مهره پوزه‌دار به رنگ آبی متمایل به خاکستری، چشمی در پهلوی راست و یا چپ دارد و آن را از مهره‌های بسیار خطرناک به شمار می‌آورند. هنگامی که ورد بر آن بخوانند، در میان دو انگشت بگیرند و فشار دهند، سفید و شفاف می‌گردد. کاربرد آن به دو شکل است: اگر دارنده مهره به بالین نوزادی آید، نوزاد کبود شده و می‌میرد؛ اگر به سر کسی کشیده شود، کچل می‌گردد؛ (دریانورد، ۱۳۷۷ ش).

۸- مهره «دلک»^۷: این مهره به شکل یک قاب و پلاکی از جنس فلز است. پس از اوسی کردن مهره «دلک» را به گردن زنانی که در دوران حاملگی دچار ویار می‌شوند، می‌آویزند؛ (جواهری، ۱۳۷۹ ش).

۹- مهره قفل: این مهره به رنگ نقره‌ای است. سیدی باید بر مهره مزبور دعای خاصی بخواند. این مهره برای استحکام و قرصی کمر زن، جلوگیری از ضعف و سستی هنگام زایمان و جلوگیری از سقط جنین استفاده می‌شود؛

۱۰- مهره خون‌بند: این مهره به شکل بیضی و شامل سه دانه در یک بند است. این مهره پس از زایمان برای جلوگیری از خونریزی زن استفاده قرار می‌شود. پس از دعاخواندن بر مهره خون‌بند آن را به گردن زن می‌آویزند؛

۱۱- مهره شیر: مهره‌ای است کوچک، سفید و شفاف. این مهره را زنان تازه‌زایی که شیر کافی برای تغذیه نوزاد خود ندارند، برای شیردارشدن به گردن می‌آویزند. با آنکه زنانی هستند که از مهره‌ها به ویژه مهره شیر استفاده کرده و طرفی نبسته‌اند، اما هنوز باور به آن‌ها، در میان این مردم پابرجاست؛ (دریانورد، ۱۳۷۷ ش.)

۱۲- مهره عقرب‌زدگی: مهره‌ای است نیمه‌گرد با سوراخ چشم‌گونه‌ای در یک طرف آن، هر گاه کسی را عقرب بزند، حتی در نیمه‌شب هم که شده باشد، به در خانه صاحب مهره می‌روند و شتاب‌زده، مهره را طلب می‌کنند و پس از آوردن مهره به امید بهبود قسمت سوراخ‌دار آن را روی اثر نیش عقرب می‌گذارند. (احمدی ریشه‌ری، ۱۳۸۱ ش.)

نتیجه‌گیری

یکی از شاخصه‌های مهم در مطالعه فرهنگ عامه، بررسی نوع باورها و چگونگی عقاید مردم هنگام مواجهه با بیماری‌هاست. در طول تاریخ ترس از بیماری‌ها و آسیب‌هایی که به بدن وارد می‌شد، موجب شد تا بشر راه دفع آن‌ها را با سیر در طبیعت فرا گیرد. همچنین به دلیل ناآگاهی، نبود بهداشت و در دسترس نبودن پزشک، درمان‌های عامیانه رایج شد و مردم با استفاده از داروهای گیاهی یا باور و اعتقاد خود به درمان بیماری‌ها پرداختند.

در عامه مردم استان بوشهر، برای مداوای مریض، از اثربخشی مهرهایی با نام «تمیمه» استفاده می‌کنند. در این فرهنگ اعتقادی هر بیماری مهره مخصوص به خود دارد. مهره را حائز نقشی جدی و بسزایی می‌دانستند و بر این باور بودند که با خواندن ورد بر روی آن‌ها کارهای ناممکن انجام‌پذیر می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Ows

۲. چهار سوره از قرآن مجید که با واژه «قل» آغاز می‌شوند.

3. Apel teši

4. Bekak

5. Tosow

6. Osrom

7. Delek

فهرست منابع

احمدی ریشه‌ری، ع-ح. (۱۳۸۱ ش.). سنگستان (عقاید و رسوم عامه مردم بوشهر). شیراز: انتشارات نوید شیراز، صص ۸۱ و ۱۲۶.

اذکائی، پ. (۱۳۹۱ ش.). پزشکی در ایران باستان. تهران: انتشارات المعی، ص ۱۳۵.

افشار سیستانی، ا. (۱۳۷۰ ش.). پزشکی سنتی مردم ایران. تهران: ناشر مؤلف، چاپ اول، ص ۱۷۴.

جواهری، ش. (۱۳۷۹ ش.). مردم‌نگاری شهر دیر. سازمان میراث فرهنگی استان بوشهر، ص ۲۸۶.

حداد عادل، غ-ع. (۱۳۸۲ ش.). دانشنامه جهان اسلام. جلد هفتم، ص ۵۷۱.

دریانورد، غ-ح. (۱۳۷۷ ش.). سیمای بندرگناوه در هفت آیین. تهران: انتشارات هیرمند، صص ۲۴۴ و ۲۴۶.

رحمانیان، د. حاتمی، ز. (۱۳۹۱ ش.). سحر و جادو، طلسم و تعویذ و دنیای زنان در عصر قاجار. جستارهای تاریخی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۳۰.

صابری افتخاری، ع. (۱۳۹۱ ش.). باور به وجود نیروی فوق طبیعی در اشیا در فرهنگ عامه مردم ایران. مجله انسان‌شناسی. جلد دهم، شماره هفدهم، ص ۸۸.

ملک‌راه، ع-ر. (۱۳۸۵ ش.). آیین‌های شفا: مباحثی در مردم‌شناسی پزشکی. تهران: نشر افکار، ص ۱۹.

موسی‌پور، ا. (۱۳۸۷ ش.). دوازده‌یک (سیزده پژوهش درباره طلسم، تعویذ و جادو). تهران: نشر کتاب مرجع، ص ۱۴۸.

یادداشت شناسه مؤلف

مریم عباسی: کارشناس مردم‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم‌شناسی،

تهران، ایران.

پست الکترونیک: a_maryam1983@yahoo.com

The Place of Tamimeh in Folk Medicine of Boshehr*Maryam Abbasi***Abstract**

Acknowledge beliefs and modality of people's tenets against the illnesses, is one of the most important indexes in the field of folklore studying. Among the centuries, fear of the sicknesses and injuries caused the humans to find the proper remedies by means of nature's elements. On the other hand, poor knowledge of medicine and hygiene actuate demotic believes about curing, preventing the illnesses and faith healing methods. We have many books about plebs culture of Iran's regions and also about Iran's traditional medicine at our disposal which indicates that Iranian people have rich history of amulet objects. Based on the traditional believes, those mentioned objects have some metaphysical powers against the daisies. One of the best-known amulets in Iran is a kind of agates called 'TAMIMA'. TAMIMA, gems in black color with white spot or vice versa, is one of the oldest human beliefs and probably most-common non-scientific faith which can normally be found as a necklace using to avoid bad events. Current article is intending to investigate the usage of amulet agates, especially TAMIMA type, in Boushehr province, Iran, and its effects in people's culture.

جایگاه تیممه در طب عامیانه بوشهر

Keywords

Amulet, Agates, Daisies, Boushehr